

تبیین راهبردی گفتمان اصلاحات در کلام امام خامنه‌ای (مدظله العالی)
در مقایسه با گفتمان اصلاحات آمریکائی بعنوان تهدید نرم
مرتضی شانه‌ساززاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

چکیده:

در این مقاله گفتمان اصلاح طلبی به عنوان یک خرده گفتمان در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی، تهدید نرم جدیدی را از اواسط دهه هفتاد پیش روی نظام اسلامی پدید آورد. این گفتمان که برگرفته از دیدگاه‌های غربی شکل گرفته بود، در فضای سیاسی کشور گسترش یافت و موجب گردید که در محافل سیاسی و رسانه ها، دو دیدگاه اصلاحات با قرائت آمریکائی و اصلاحات با نگرش دینی در تقابل با یکدیگر سرمنشاء بحث‌های گوناگونی در محافل سیاسی شود در این میان ورود مقام معظم رهبری به این مقوله از جایگاه ویژه ای در شفاف سازی تعارض بین این دو دیدگاه برخوردار است. لذا در این نوشتار دیدگاهی که در تعارض گفتمانی با اسلام ناب محمدی ص است و متکی به مکاتب لیبرال دمکراسی بدنبال انحراف انقلاب از مسیر اصلی و استحاله نظام است را بعنوان تهدیدی از نوع نرم مورد بررسی قرار داده و اصلاحات را با نگرش دینی و انقلابی برگرفته از فرمایشات مقام معظم رهبری در قالب الگوی راهبردی شامل: هدف، ضرورت، اصول، سیاست، راهبرد و مصادیق آن مورد تجزیه و تحلیل و تبیین قرار داده و در حقیقت به دنبال پاسخ به این سوال است که دیدگاه انقلابی دینی در مورد اصلاحات و تفاوت آن با دیدگاه اصلاح طلبان چیست؟

واژگان اصلی: امنیت، تهدید امنیت، تهدید نرم، اصلاحات.

۱. دانش آموخته دکتری تهدیدات امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.

مقدمه

تهدید و تهدیدشناسی یکی از موضوعاتی است که در حوزه مسائل امنیتی مطرح بوده و به عبارتی تعریف امنیت با نگاه سلبی از واژه تهدید و موضوع تهدید شروع می شود، یکی از تهدیداتی که تأثیر فراوانی در حوزه تهدیدات نرم داشته و مورد استفاده قرار می گیرد. ایجاد و گسترش خرده گفتمان های مختلف در مقابل گفتمان اصلی نظام های سیاسی است که با هدف مقابله با ارزش های حاکم بر گفتمان اصلی مطرح گردیده و موجبات تردید و ابهام در ایده ی حکومت را فراهم می سازد. از جمله این خرده گفتمان ها، موضوع اصلاحات است که از سوی برخی از نظریه پردازان در دهه ی دوم انقلاب مطرح گردیده بود و بدنبال آن به تدریج تا جایی پیش رفت که دوران هشت ساله ریاست جمهوری آقای خاتمی به دولت اصلاحات معروف گردید.

درحالی که واژه اصلاحات در آموزه های دینی و اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است و به قول شهید مطهری اصلاح طلبی یک روحیه اسلامی است که هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لااقل طرفدار اصلاح طلبی است. زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان یک شأن پیامبری در قرآن مطرح است و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است که از ارکان تعلیمات اجتماعی اسلام است. (مطهری، ۱۳۵۸: ۸)

از سوی دیگر تحریف مفاهیم واژه های دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در مذاهب و مکاتب و جوامع در طول تاریخ و بخصوص در جوامع مدرن امروزه واقعیتی تأسّف آور ولی انکارناپذیر است که در دستور قدرت های سلطه گر قرار داشته و برای آن نمونه های متعددی وجود دارد.

واژه هائی که از سوی قدرت های بزرگ و درجه استکبار بصورت تحریف شده مطرح می گردد همچون اصلاح طلبی، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، انسان دوستی و عدالت خواهی که با رفتار آنها در سرکوب، اشغالگری و کشتار ملت های مبارز و طرفداری از رژیم های دیکتاتور و ظالم کاملاً در تناقض بوده و به عبارتی دیگر دقیقاً اقدامات آنها تعریفی مغایر آنچه که در اصطلاحات رایج وجود دارد به منصف ظهور می رسد.

واژه اصلاحات و اصلاح طلبی در دوران فوق الذکر نیز از این دسته واژه هایی بود که در تعریف و تبیین آنها مغایرت هایی با آنچه که در دیدگاه دینی، اسلامی وجود داشته و برگرفته از آیات الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) بود برداشت می شد. لذا این گفتمان جدید و به عبارتی نگاه متفاوت مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفت و بصورت مفصل و عمیق به این مسئله پرداخته شد.

بنابر این چون این موضوع در حوزه گفتمانی، تهدیدی در مقابل گفتمان غالب جمهوری اسلامی مطرح گردیده این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که دیدگاه‌های مقام معظم رهبری با توجه به دیدگاه‌های دیگر مکاتب چه تفاوت‌هایی داشته و در ادامه آن منظور گروه‌های سیاسی داخلی از اصلاح طلبی را نیز به مذاقه بگذارد.

هدف: تبیین راهبردی گفتمان اصلاحات از دیدگاه مقام معظم رهبری و مقایسه آن با اصلاحات آمریکائی (گفتمانی که بصورت نرم ارزش‌های انقلاب را تهدید می‌کند)

چارچوب نظری:

امنیت. تعریف نظری امنیت، هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی است و هم آرامش روحی و روانی را در بر می‌گیرد. باری بوزان، امنیت را با توجه به این دو بعد، اینگونه تعریف میکند: «امنیت عبارت از حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید(اعتماد به دریافت‌های شخصی) است. (ناظمی، ۱۳۹۴: ۱۷)

اما مفهوم امنیت ملی از جمله مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی از آن شده است از جمله: «امنیت ملی شرایط و فضای(ملی- فرا ملی) را در بردارد که یک ملت و بین‌المللی گسترش دهد و یا دست کم در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی، آنها را حفظ نماید.» محورهایی که در این تعریف قابل توجه می‌باشند عبارتند از: شرایط و فضای ملی و بین‌المللی مناسب، اهداف و ارزشهای حیاتی، تهدیدات داخلی و خارجی و دشمنان بالقوه و بالفعل. روشن است که هر یک از این محورها جوانب و ابعاد گوناگونی را دارا هستند که از ورود به جزئیات آن خودداری می‌شود اما بطور کلی نگرش هیأت حاکمه و مردم هر کشور نسبت به این موضوعات سبب تمایز دایره امنیت ملی یک کشور از دیگر کشورها می‌شود(امینیان، ۱۳۷۱: ۳۱)

در این خصوص تهدیدات امنیت ملی مواردی هستند که موجودیت هر نظام را به خطر می‌اندازند و هدف آن ارزش‌های اساسی نظام است که به بقا و موجودیت آن بستگی دارد. و چون آسیبها بسترساز تهدیدات است می‌باید زمینه‌هایی که موجب پیدایش و آثار و نتایج آنها می‌شود مورد رصد و تحلیل قرار گیرد.

جنگ نرم: جنگ نرم یا تهدید نرم را شاید با تعبیر گوناگون دیگری همچون جنگ روانی، جنگ سفید و یا قدرت نرم و... معرفی نمایند. اما جان کاینز تئورسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا،

جنگ نرم را این گونه تعریف می کند: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود. در جنگ نرم حقیقت جای خود را با دروغ عوض خواهد کرد اما این دروغ به حدی با آنچه دیده می شود ممزوج می گردد که تشخیص حق و باطل از یکدیگر و تمیز آن دو بسیار دشوار شود.» (پایگاه اطلاع رسانی حوزه)

بنابراین می توان جنگ نرم را شامل هر گونه اقدام روانی، رسانه ای و تبلیغاتی تلقی نمود که جامعه ی هدف یا گروه هدف را نشانه می گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می دارد.

اصلاح: اصلاح از نظر لغت یعنی درست کردن، نیکو کردن، به سازش در آوردن، آراستن، به صلاح آوردن (فرهنگ عمید)

البته در تعریف این مفهوم اختلافات شگرفی وجود دارد از سوی دیگر تعریف های اصطلاحی هم که از اصلاح شده است بسیار محدود و با مفهوم نزدیک به هم می باشد.

در فرهنگ علوم سیاسی رفرم را اصلاح معنا کرده است. رفرم یعنی اقداماتی که برای تفسیر و تعویض برخی از جنبه های حیات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی صورت می گیرد بدون آنکه بنیاد جامعه را دگرگون سازد. مانند رفرم های ارضی، آموزشی، اداری، بازرگانی، انتخاباتی و غیره. (علی بابائی، ۱۳۶۹: ۲۸).

بنابراین آنچه که از گفتمان های موجود در ادبیات دریافتی از علوم سیاسی و مکتوبات دریافتی از غرب می یابیم. واژه اصلاح را در برابر مفهوم انقلاب قرار می دهند. و آنرا فرآیندی آرام، صلح جویانه، معتدل، متعادل و غیر جهشی در بهسازی جامعه تلقی می نمایند.

لذا اصلاح طلبی ایدئولوژی و دیدگاهی سیاسی - اجتماعی است به معنای اعتقاد به بهسازی جامعه از طریق ایجاد دگرگونی های مستمر، غیر بنیادین و با تصحیحات آرام و پیگیر، بدون آنکه ساخت اساسی نظم مستقر به مخاطره افتد. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۹۴)

لکن این مفهوم در علوم اسلامی متفاوت با تعاریف فوق معرفی می شود و در حقیقت واژه ی اصلاح در مقابل واژه افساد می آید.

شهید مطهری در کتاب نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، اصلاح را سامان بخشیدن، نقطه مقابل افساد معنا کرده است که به معنی نابسامانی ایجاد کردن است. اصلاح و افساد یکی از زوج های

متضاد یعنی آن واژه‌های اعتقادی و اجتماعی که دو به دو در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند و به کمک یکدیگر بهتر شناخته می‌شوند از قبیل توحید و شرک، ایمان و کفر، هدایت و ضلالت، عدل و ظلم، خیر و شر، اطاعت و تعصب، شکر و کفران، اتحاد و اختلاف، غیبت و شهادت، علم و جهل، تقوا و فسوق، استکبار و استضعاف و غیره برخی از این زوج‌های متضاد از آن جهت در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند که یکی باید نفی و طرد شود و دیگری جامه تحقق بپوشد. اصلاح و افساد از این قبیل است. (مطهری، ۱۳۵۸: ۹)

تجزیه و تحلیل:

اصلاح طلبی از منظر مکاتب مختلف:

حکومت‌ها در جوامع مختلف براساس مکاتب و نحله‌های فکری موجود در آن جامعه شکل می‌گیرند. و شاکله نگاه حکومت‌ها برگرفته در نحوه نگرش مکتب رایج در آن جامعه است. لذا وقتی موضوعی همچون اصلاح طلبی که موضوع این مقاله است را در جوامع مختلف بررسی می‌کنیم مشاهده می‌شود که مبتنی بر پشتوانه‌ی فکری حاکم بر آن جامعه باورها، اهداف و روش‌های آن با دیگر جوامع متفاوت بوده و لذا بررسی آنها می‌تواند رفتار جوامع را موشکافانه‌تر مورد ملاحظه قرار دهد.

بررسی تاریخی دو قرن اخیر نشان داده که گذشته از افکار و دیدگاه‌های التفاطی، پشتوانه‌ی حکومتها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها یکی از مکاتب یا نحله‌های فکری زیر بوده که بطور اجمال به بررسی دیدگاه‌های آنها پیرامون اصلاح طلبی می‌پردازیم.

الف) مارکسیسم:

از جمله مکاتبی است که حدود یک قرن بسیاری از انقلابها و نهضت‌ها، کودتاها و... مبتنی بر این دیدگاه شکل گرفته و حکومت‌های متعددی بر اصول آن تنظیم و اداره شده است. این مکتب است که انسان را بطور ذاتی بد و شرور می‌پنداشت و در طبیعت او بدبین بود. لذا این دیدگاه بطور کلی از تر اصلاحی برخوردار نبوده و انسان را قابل اصلاح نمی‌دانستند و به تبع آن طرح مدینه‌ی فاضله‌ای هم برای آن جا پی ریزی نمی‌کردند. در حقیقت به اصالت اجتماع معتقد بوده و هرگز اصلاحی را در دوره مالکیت تخیل بر می‌شمارد. شهید مطهری در کتاب حق و باطل می‌گوید:

«همه‌ی کسانی که به اصالت اجتماع معتقدند. یعنی انسان را فاقد سرشت، و تمام ابعاد وجودی او

را ساخته جامعه می‌داند. جبری فکر می‌کند و تز اصلاحی را قبول ندارند. چون قبول تز اصلاحی براساس این است که انسان بتواند خودش را اصلاح کند و حق و عدل و راستی را برپا دارد.» (مطهری، ۱۳۹۸: ۲۵)

درجائی دیگر اضافه می‌کند:

«از نظر مارکسیسم اصلاحات جزئی، گامهای التیام بخش و تسکین آلام اجتماع، خیانت و تخدیر و نارواست، سنگ در راه تکامل انداختن و در صف دشمنان تکامل وارد شدن است. زیرا گامهای اصلاحی و التیام بخش، شکاف را ولو بطور موقت کمتر می‌کند. از ناسازگاریها می‌کاهد و کمتر شدن شکاف و کاهش ناسازگاریها آهنگ مبارزه را کند می‌کند. کند شدن آهنگ مبارزه موجب تأخیر موعد جهش و انقلاب می‌گردد و تأخیر انقلاب مساوی است با توقف بیشتر جامعه در مرحله پیشین و عقب افتادن تکامل اینها نتایجی است که از بیش ایزاری تاریخ گرفته می‌شود.» (مطهری، ۱۳۵۴: ۳۴)

ب) لیبرالیسم:

کاپیتالیسم و لیبرالیسم با دیدگاهی ظاهراً متضاد با نظریه کمونیسم معتقد است برای جلوگیری از وقوع انقلاب که ویران کننده و عامل نابودی جامعه است بایستی دست به اصلاحات زد. اصلاحاتی که مانع یک تحول انقلابی در جامعه شود. یعنی در واقع تأکید لیبرالیسم بر اصلاح و اصلاح طلبی برای جلوگیری از همان انفجاری است که مارکسیسم وعده ی آنرا داده بود که در صورت وقوع چنین حادثه ای سرمایه داری با خطر مواجه می‌شد.

خطری که جوامع صنعتی و پیروان آنها را در اقصی نقاط عالم از ناحیه انقلاب و قیام محرومین و مستضعفین تهدید می‌نمود. و به عبارتی پایه ها و ریشه های کاپیتالیسم را نشانه رفته بود. این رویکرد بعد از فروپاشی جهان کمونیسم متوقف نشد بلکه کماکان استراتژی بزرگ غربی ها و در رأس آن آمریکاها برای استقرار نظام حاکم بر جهان تعقیب گردید.

امروز دیگر واژه اصلاح و اصلاح طلبی در مقابل دیدگاه کمونیسم و انقلاب های طبقاتی آنها معطوف نبوده بلکه تلاش اصلی متوجه مهار کردن جنبش های استقلال طلبانه در جهان سوم و هضم کردن نظام های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آنها در اردوگاه جهانی غرب گردیده است.

در دنیای کنونی به زعم غربی ها اصلاح طلبی در مقابل واژه دیگری به عنوان سرکش و یاغی تعریف می‌گردد آنچه که در ادبیات نو محافظه کاران آمریکایی بویژه رئیس جمهور قبلی (بوش پسر) به صراحت مطرح شد. اصلاح طلب به کشورها و گروه ها و افرادی اطلاق می‌شود که در

چارچوب سیاست های کلی غرب فعالیت دارند و در مقابل یاغی یا سرکش به کشورهای گفته می شود که خارج از دایره ی آنها عمل می کنند.

ج) اسلام:

دیدگاه اسلام مغایر دو دیدگاه فوق با بینشی متفاوت نسبت به انسان با اصلاح و اصلاح طلبی در جوامع روبرو می شود. به عبارت دیگر چون به انسان و ارزش های انسانی، چه در فرد و چه در جامعه اصالت قائل است بنابراین دقیقاً در نقطه مقابل مکاتب دیگر که انسان را در سطح یک ابزار تولید مشابه دیگر ابزارها، ارزیابی کرده و آنرا یک ظرف خالی محض می دانند، که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، مخصوصاً اقتصادی پی ریزی می شود. از این رو هر نوع و هر شکل شخصیتی به او داده شود از نظر او که ظرف خالی ای بیش نیست علی السویه خواهد بود و لذا نسبت او با همه شکل ها و همه مظروف ها نسبتی مساوی است.

ولی از منظر اسلام که برای ذات انسان شخصیتی فطری قائل است موضوع از مبنا متفاوت ارزیابی می شود. در این دیدگاه انسان دارای استعداد ویژه ای است که با بهره گیری از عوامل بیرونی از قوه به فعل می رسد. مثل یک نهال که به خاک و آب و نور نیازمند است تا سیر تکاملی و رشد خود را طی نماید.

قرآن کریم، در مجموع تعبیرات خود، پیامبران را مصلحان می خواند.

چنانکه از زبان شعیب پیغمبر می گوید. ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب (هود ۸۸) جز اصلاح تا آخرین حد توانایی منظوری ندارم. موفقیتم جز به دست خدا نیست، تنها بر ذات مقدس او توکل می کنم و تنها بسوی او باز خواهم گشت. (مطهری، ۱۳۵۸: ۶ و ۷).

شیوه ی پیامبران در جهت هدایت انسانها ابتدا به صورت فردی، سپس متمرکز بر امت و در ادامه خواص و جمعیتها را در بر می گیرد لذا در قرآن اصلاح میان دو فرد، میان خانواده و گاهی محیط بزرگ اجتماعی را شامل می شود و بدین جهت پایداری و بقا هر قومی را مبتنی بر اصلاح در جامعه برشماری می کند.

ماکان ربک لیهلک القرى و اهلها مصلحون. خداوند هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی

که مصلح و نیکوکار باشند به ظلم هلاک نکند (هود ۱۱۷)

اصلاح طلبی در منظر روایات:

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، نقش خود را از نظر فعالیت‌های اجتماعی به عنوان مصلح معرفی می‌کند.
لذا در خطبه ۱۳۱ می‌فرماید:

خدایا تو خود آگاهی که آنچه از ناحیه ما صورت گرفت، رقابت در کسب خدمات، یا خواهش فزون طلبی نبود بلکه برای این بود که سنن ترا که نشانه‌های راه تو هستند بازگردانیم و اصلاح آشکار و چشمگیر در شهرهای تو به عمل آوریم که بندگان مظلوم و محروم امان یابند و مقررات به زمین مانده‌ی تو بپا داشته بشوند. (نهج البلاغه خطبه ۱۳۱)
درجایی دیگر در همین خطبه می‌فرماید:

بخدا سوگند چنان باطل را نقب زنم و دل آنرا بشکافم تا حق از پهلویش بر آید.
(چون اطراف حق را باطل فرا می‌گیرد و آنرا از دیده مردم مستور می‌دارد) کار مردان مصلح همین است که حق را آنطور که هست بدون هراس بیرون آرند و به مردم بنمایانند.
ابا عبدالله الحسین (ع) در وصیت نامه معروف خود به برادرش محمد حنیفه حرکت خود را یک حرکت اصلاح طلبانه معرفی می‌نماید:

انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما لطلب الاصلاح فی امه جدی: ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی (بحار، ج ۴: ۳۲۹).
قیام من، قیام فردی جاه طلب یا کامجو یا آشوبگر و یا ستمگر نیست در جستجو اصلاح کار امت جدم بپا خواسته‌ام، اراده دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیرت جدم و پدرم رفتار نمایم.
حال باتوجه به مراتب فوق دیدگاه‌های مقام معظم رهبری را در مورد اصلاحات مورد بررسی قرار داده و تحت عناوین مدیریت راهبردی دسته‌بندی کرده بنحوی که بتواند در بررسی‌های محتمل بعدی نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این عناوین عبارتند از:

تعریف اصلاحات از نگاه رهبری:

ابتدا بااستناد به فرمایشات اباعبدا... واژه اصلاح را در فرهنگ دینی مورد بررسی قرار داده و بیان می‌دارند که تعریف ما از انقلاب از تعریف اصطلاحی که انقلاب را در مقابل اصلاح قرار می‌دهند. متفاوت است لذا تعریفی مختص به فرهنگ انقلابی دینی از اصلاح را بیان داشته و بر این اساس پایه‌های گفتمانی خود را بنا می‌نهند. و اصرار دارند که قبل از هر چیز باید این مفهوم در کشور تعریف

شده و بر روی آن مفاهیم جمعی صورت گیرد تا بتوان مبتنی بر آن تعریف که براساس پایه های ارزشی نظام اسلامی است، اقدامات اصلاحی را دنبال نمود. لذا میفرمایند:

«در زمینه‌ی اصلاح، دو جمله از امام حسین علیه‌السلام نقل شده است. امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» (بحار: ج ۴۴، ۳۲۹). او دنبال اصلاحات است و می‌خواهد اصلاح به وجود آورد. یک جای دیگر هم می‌فرماید: «لنری المعالم من دینک و نظهر الأصلاح فی بلادک» (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ۸۱)؛ می‌خواهیم اصلاح در میان ملت اسلام و کشور اسلامی به وجود بیاید. این شعار امام حسین (ع) است. (امام خامنه‌ای ۷۹/۱/۲۶)

اصلاح چیست؟ اصلاح این است که هر نقطه‌ی خرابی، هر نقطه‌ی نارسایی و هر نقطه‌ی فاسدی، به یک نقطه‌ی صحیح تبدیل شود. انقلاب، خودش یک اصلاح بزرگ است. اگرچه در اصطلاحات سیاسی دنیا، «انقلاب» را در مقابل «اصلاح» قرار می‌دهند، اما من با آن اصطلاح نمی‌خواهم حرف بزنم. من اصلاح با اصطلاح اسلامی را مطرح می‌کنم. خود انقلاب، بزرگترین اصلاح است. تداوم اصلاحات، در ذات و هویت انقلاب نهفته است. یک ملت انقلابی و هوشیار و شجاع، به طور دائم نگاه می‌کند تا ببیند فسادهایی که از قبل در میان او مانده - فسادهایی که در طول زمان بر اثر غفلتها و سوء مدیریتها و سوء تدبیرها و تجاوزها به وجود آمده - کدام است تا آنها را اصلاح کند. اشتباهات و خطاها کدام است، تا آنها را اصلاح کند. انقلاب که بدون اصلاح امکان ندارد. هیچ جامعه‌ی انسانی، بدون اصلاح امکان ندارد. از اول انقلاب همه آرزو داشتند که اصلاحات به وجود آید. هر کس هم به قدر همت خود کاری کرده است. امروز هم دولتی آمده و شعار خودش را «اصلاحات» قرار داده است. بسیار خوب؛ من می‌دانم که مسئولان این دولت - کسانی که شعار اصلاح دارند؛ از جمله رئیس‌جمهور محترم - مقصودشان از اصلاحات چیست. آنها همین اصلاحات اسلامی را می‌خواهند» (همان)

در زمانی دیگر اصلاحات را جزء ضروریات و از نیازهای مهم دانسته و بصورت کاملاً شفاف و عملیاتی نگاه رهبری را که در حقیقت تعیین کننده سیاست های کلی نظام است را ارائه می نمایند. «اصلاحات برای هر نظامی لازم است؛ اصلاحات برای هر جامعه‌ی جزو ضروری‌ترین نیازهاست؛ ما هم به اصلاحات احتیاج داریم. اصلاحات یعنی این که نقاط مثبت و منفی را فهرست کنیم و نقاط منفی را به نقاط مثبت تبدیل کنیم.»

تأکید مقام معظم رهبری در مورد اصلاحات و ریشه داشتن در متن انقلاب و اسلام از دیگر

مباحثی است که در این بیانات مورد توجه ایشان است. لذا با ذکر آیه ۸۱ از سوره هود بطور کلی رسالت پیامبران را ایجاد اصلاحات بیان می‌دارند و می‌فرمایند:

«ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»؛ پیغمبران این را می‌فرمودند. همه‌ی کار پیغمبران عبارت بود از این‌که تا می‌توانند اصلاح کنند؛ (امام خامنه‌ای ۸۳/۱/۲)

بنابراین در این خصوص تحلیلی از تفسیر ناشیانه از اصلاحات در الگوها و مدل‌های غربی را عدم تعریف مشخص از اصلاحات و بالاخره عدم تبیین اهداف آن ذکر می‌کنند و بیان می‌دارد این مسئله در سطح نخبگان جامعه در مرحله اول و سپس در سطح عامه‌ی مردم می‌بایست مورد مفاهمه قرار گیرد تا موجب تحمیل الگوهای دیگر نگردد. در این رابطه تحلیلی عمیق و همه‌جانبه از اتفاقاتی که در کشور شوروی سابق افتاد و به دنبال آن فروپاشی شوروی را به همراه داشت مطرح نموده و تأکید می‌نمایند که یکی از علت‌هائی که منجر به حوادث مزبور گردید عدم ترسیم تصویری روشن از اصلاحات توسط گورباچف بود.

«اصلاحات باید تعریف شود. اولاً برای خود ما که می‌خواهیم اصلاحات کنیم، تعریف شود و مشخص باشد که می‌خواهیم چه کار کنیم. ثانیاً برای مردم تعریف شود که منظور ما از اصلاحات چیست، تا هر کسی نتواند به میل خودش اصلاحات را معنا کند. این جزو کارهایی است که مجموعه‌ای از مسئولان دولتی، دستگاه قضایی و مجلس و غیره می‌توانند انجام دهند. باید تعریف مشخصی از اصلاحات به‌وجود بیاید تا ترسیم آن چهره و وضعیتی که ما در نهایت جاده‌ی اصلاحات می‌خواهیم به آن برسیم، برای همه - هم مردم، هم مسئولان - آسان شود و بدانند به کجا می‌خواهند برسند. اشکال کار آقای گورباچف این بود که عیوب و اشکالات را می‌دانست؛ اما تصویر روشنی از آنچه که باید انجام گیرد، نداشت؛ اگر هم داشت، مردمش آن تصویر را نمی‌دانستند. بنابراین اگر تعریف مشخصی از اصلاحات نشود، الگوهای تحمیلی غلبه خواهد کرد؛ همان اتفاقی که در شوروی افتاد؛ چون نمی‌دانستند چه کار می‌خواهند بکنند؛ لذا به سراغ تقلید ناشیانه‌ی اصلاحات در الگوها و مدل‌های غربی رفتند و به آنها پناه بردند. امام بزرگوار ما هوشمندانه این ضعف را در آنها تشخیص دادند؛ لذا در نامه‌ای که ایشان به گورباچف نوشتند، این نکته را متذکر شدند. ایشان نوشتند شما اگر بخواهید گره‌های کور اقتصاد سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه‌ی خود را دوا نخواهید کرد، بلکه دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به

بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در این مسائل - البته به شکلی دیگر - و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. این که بنده مکرر می‌گویم امام یک حکیم واقعی بود، به این خاطر است. در آن جنجال تبلیغاتی رسانه‌ای جهان، نکته‌ی اصلی را امام تشخیص داد (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹)

دسته بندی مفهومی اصلاحات از دیدگاه رهبری:

در تبیین بیشتر اصلاحات معظم له مفهوم اصلاحات را به دو دسته «اسلامی، انقلابی» و «آمریکائی» تقسیم کرده و مشروحاً به این تفکیک مفهومی آن می‌پردازند. لذا با توجه به حجم تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی در این رابطه ایشان نیز در مقاطع مختلف زمانی به تفصیل تبیین این دو گفتمان را وجهه همت خود می‌سازند.

از جمله اینکه با تصویرهای بنیادینی که در مورد نگاه اسلام و انقلاب از اصلاحات ترسیم کرده و اصلاح رادر مقابل فساد تعریف نموده اند، لذا عوامل اصلی فساد در کشور را بصورت تاریخی مورد بررسی قرار داده و آمریکا و انگلیس و دست نشاندهان آنها را، حداقل در صد ساله اخیر، عاملان عقب ماندگی و انحطاط کشور برشماری می‌کنند.

۱- اصلاحات آمریکائی:

«مسأله‌ی مهم دیگر در همین زمینه این است که دشمن در تبلیغات خود - که شعار اصلاحات را پیگیری می‌کند - به دنبال چیست؟ اصلاحات مال ماست. این که شما ملاحظه می‌کنید تبلیغات جهانی بر روی اصلاحات در ایران متمرکز می‌شود، علتش آن چیست؟ این تبلیغات متعلق به مراکز است که نمی‌توانند ادعا کنند خیر ملت ایران را می‌خواهند. مگر وجود فساد و اختناق و خرابی وضع در این کشور، غیر از تسلط و نفوذ قدرت استکباری انگلیس در دوره‌ی اول، و آمریکا در دوره‌ی بعد، علت دیگری دارد؟ چه قدرتی در این مملکت اختناق به وجود آورد؟ چه قدرتی در این مملکت دستگاه‌های ملی و دولتی را بر مبنای فساد پایه‌گذاری کرد؟ چه قدرتی در طول پنجاه سال با اخلاق عمومی و انسانی مبارزه کرد؟ چه دستی رضاخان را به قدرت رساند؟ چه عواملی کودتای ۲۸ مرداد را راه انداخت؟ در طول این پنجاه و چند سال، چه کسانی زشت‌ترین تبلیغات را در جهت کشاندن این ملت به سمت فساد، بی‌بندوباری و نابووری به اصول اخلاقی و دین انجام دادند؟ جوانان ما امروز چیزی از مطبوعات دوران رژیم پهلوی به یاد ندارند؛ اما شما که به یاد دارید. آن مطبوعات فساد و - به قول یک روشنفکر مسلمان معروف - آن رنگین‌نامه‌ها، به وسیله‌ی چه کسی تشویق می‌شد؟ آنها

از کجاها تغذیه و تشویق می‌شدند؟ از چه کسی الگو می‌گرفتند؛ غیر از همین دستگاههای قدرتی که آن نظام را سر کار آورده بودند و با همهی وجود آن را تقویت می‌کردند؟ (امام خامنه ای ۱۹/۲/۸۴)

در ادامه تبیین موضوع اصلاحات مورد نظر امریکا و انگلیس را مغایر منافع ملت ایران ذکر می‌کنند و اصول هریک را متفاوت با دیگری معنا کرده و سپس تلخی و فجایع اصلاحات آمریکائی را برشماری نمودند:

«البته از نظر امریکایی‌ها اصلاح یعنی ضدیت با نظام جمهوری اسلامی. رضاخان آمد اصلاحات راه انداخت؛ محمدرضا هم آمد اصلاحات راه انداخت؛ این همان چیزی است که بنده گفتم اصلاحات امریکایی. این اصلاحات به درد خودشان می‌خورد. ملت ایران اصلاح را براساس اصول خود انجام می‌دهد» (همان)

«امروز ما برای این‌که با نام و یاد و سلطه‌ی استکباری دولت امریکا با همهی وجود مخالف باشیم، محتاج چه دلیلی باشیم، جز این‌که آن رژیم، پنجاه سال همهی منابع انسانی و مالی و اخلاقی و استعدادی ما را ضایع و نابود کرد؟ دستاورد رژیم پهلوی در طول این پنجاه سال برای ایران چه بود؟ این ویرانه‌ای که اینها به وجود آوردند، چگونه، با کدام تلاش و در چه مدت قابل اصلاح است؟ چه کسی آن را زمینه‌سازی کرد؟ چه کسی کمک کرد؟ چه کسی هدایت کرد؟ چه کسی دستگاه جاسوسی‌شان را تقویت کرد؟ چه کسی به آنها خط داد؟ درعین حال همان دولت امریکا و انگلیس، همان رؤسایشان، همان سیاستمداران‌شان، همان مراکز رسانه‌ای‌شان، امروز از چیزی به نام اصلاحات و آزادی در ایران دفاع و حمایت می‌کنند! این باید هر هوشمندی را به فکر وادار کند و هر غافل را بیدار و هوشیار نماید. مسأله چیست؟ این یک صحبت بسیار مهم و یک سؤال بسیار اساسی است» (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹).

سپس اصلاحات مورد نظر استکبار جهانی را مساوی فساد قرار داده و آنرا به شدت مورد تقبیح قرار می‌دهند و در ادامه بیانات افراد و گروههایی که دنباله رو دیدگاه دشمنان، تعاریف متفاوتی از دیدگاه اسلامی و انقلابی دارند را مورد انتقاد قرار می‌دهند. و از آنها می‌خواهند که حساب خود را از امریکا و رسانه‌های غربی جدا کنند.

«آن اصلاحی که امریکاییها می‌خواهند در ایران انجام گیرد، عین فساد است. آنها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را که تبلور ایمان مردم و استقلال‌خواهی آنهاست، از بین ببرند. اصلاحات به نظر امریکاییها یعنی از بین رفتن نظام جمهوری اسلامی. آنها می‌خواهند ملت ایران روی خون شهدای خود

قدم بگذارد، ایمان و عقاید و باورهای خود را لگدمال نماید، به تاریخ و گذشته‌ی خود پشت کند و در مقابل فشار سیاسی و تبلیغاتی تسلیم شود. آنها با هر اصلاح واقعی در این کشور مخالفتند. شما ببینید وقتی مبارزه‌ی با فساد مطرح می‌شود و دستگاه‌های اجرایی و قضایی در راه مبارزه با فساد اقدام می‌کنند، از طرف همین دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان و عواملشان در داخل، علیه این حرکت، جنجال و هیاهو شروع می‌شود. اینها طرفدار اصلاح‌اند؟! مبارزه با فساد را با انواع تهمت‌ها متهم می‌کنند، برای این‌که انجام نگیرد؛ چرا؟ چون این، یک کار اساسی در کشور است» (امام خامنه‌ای ۸۱/۵/۵)

«از نظر امریکا، اصلاح‌طلبان، نقابدارانی هستند که به خیابانهای تهران بیایند و شیشه‌های مغازه‌ی مردم را بشکنند یا اتومبیل مردم را آتش بزنند! هرکس در هر گوشه‌ای از کشور علیه مصالح این ملت، انقلاب و امام حرفی بزند، از نظر آنها اصلاح‌طلب است! من اصرار دارم که جناح‌های سیاسی، حساب خود و شعارهای خود را از حساب امریکا جدا کنند و روشن نمایند که آنچه امریکاییها می‌گویند، چیست و آن چیزی که آنها می‌خواهند، چیست. اصلاحات باید تعریف شود. اصلاح واقعی در این کشور این است که فقر ریشه‌کن شود؛ تبعیض وجود نداشته باشد و فساد اداری و اقتصادی نباشد. در راه این چیزها مانع‌تراشی می‌کنند؛ آن‌گاه برای ملت ایران دل می‌سوزانند» (همان)

در ادامه افراد و گروه‌هایی که دنباله روی دشمنان ملت و تکرار کنندگان دیدگاه‌های آنها هستند را مورد انتقاد قرار داده و می‌فرمایند:

«البته بعضی افراد هم هستند که اسم اصلاح‌طلبی را می‌آورند؛ اما مقصودشان اصلاحات امریکایی است! من یکی دو سال پیش در نماز جمعه مطرح کردم که ما اصلاحات انقلابی داریم و اصلاحات امریکایی. اصلاح امریکایی مظهرش این است که جرثومه فساد مثل محمدرضای پهلوی، دوباره به ایران برگردد و امور را در قبضه خود بگیرد؛ بعد هم کلید طلایی سلطه اجنبی بر کشور را در سینی نقره به اربابان امریکایی تقدیم کند! این‌که شما می‌بینید رسانه‌های امریکایی و انگلیسی و سیاستمداران‌شان دم از اصلاحات در ایران می‌زنند، منظورشان چنین چیزی است؛ یعنی جرثومه فساد که تابع و مرید و آلت دست و کوچک ابدال آنها باشد، در کشور بر سر کار بیاید و همه چیز را در خدمت آنها قرار دهد» (امام خامنه‌ای ۸۰/۸/۱۲)

«اما یک نوع چیزهایی هست که دشمن آن را اصلاحات می‌داند. امریکاییها می‌گویند حجاب شما از بین برود؛ مرزهای اخلاقی و دینی شکسته شود؛ حکومت قرآن و انطباق قوانین با اسلام - که جزو قانون اساسی است - نباید باشد؛ این یعنی اصلاحات! اینها اصلاحات امریکایی است! ملت

ایران آنچه را که به دست آورده، ارزان به دست نیاورده است. ملت ایران استقلال و رشد سیاسی و شخصیتی و عزت خود را به دست آورده است؛ اینها که ارزان به دست نیامده است» (همان)

بنابراین در یک جمع بندی می توان شاخص های اصلاحات آمریکائی را از دیدگاه معظم له به صورت زیر برشماری کرد:

مولفه های اصلاحات آمریکایی:

- ضدیت با نظام اسلامی (که تبلور ایمان مردم و استقلال خواهی است)
 - لگدمال کردن ایمان و عقاید و باورها
 - پشت کردن به تاریخ و گذشته ی خود
 - تسلیم در مقابل فشار سیاسی و تبلیغاتی
 - از بین رفتن حجاب زنان
 - شکسته شدن مرزهای اخلاقی و دینی
 - عدم انطباق قوانین با اسلام.
- بعبارت دیگر از منظر آنها (آمریکایی ها) اصلاح طلبان دارای مشخصه های زیر هستند:
- نقابدارانی که به خیابان بیایند.
 - شیشه های مغازه ها را بشکنند.
 - اتومبیل های مردم را آتش بزنند.
 - علیه مصالح ملت و امام حرفی بزنند.
- ### ۲- اصلاحات انقلابی، اسلامی، ایمانی:

«آماج این مبارزه، سه چیز است: یکی فقر است، یکی فساد است و یکی تبعیض. اگر با فقر و فساد و تبعیض در کشور، مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی - اصلاحات انقلابی و اسلامی - تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات ما از این سه پایه ی شوم و از این سه عنصر مخرب است. ناامنی هم که داریم، به خاطر همین است. بسیاری از ناامنی، به خاطر فقر است و بسیاری به خاطر فساد است» (امام خامنه ای ۱۳/۵/۷۹)

«این هشدارها و تذکرها همیشه در حرفهای ما هست. این گونه نیست که من فقط در چند سال اخیر مسأله ی فقر و فساد و تبعیض را مطرح کرده باشم؛ نه. با طرح شعار رفع فقر و فساد و تبعیض در این ایام، خواستم نکته ی اساسی ای را که مورد نظر من است، بیان کنم و آن این است که طرح مسأله ی

اصلاحات در کشور - که بسیار هم خوب است؛ اصلاحات یک امر بسیار پرجاذبه و بسیار لازم برای هر کشوری است که دائم در حال اصلاح خودش باشد - یک وسیله‌ی سیاسی در دست عده‌ای شد که نه نظام، نه اسلام، نه قانون اساسی، نه این دولت، نه رئیس‌جمهور، نه رهبری، نه وزرا، و خلاصه هیچ کس را قبول ندارند؛ یعنی کل نظام را قبول ندارند. اینها بدون این که کلمه‌ی اصلاحات را معنا کنند، شروع به استفاده‌ی سیاسی از اصلاحات کردند. من مطرح کردم که اصلاحات در کشور - که یک امر بسیار لازم است و همه باید متوجه اصلاحات شوند و سه قوه باید در جهت اصلاحات حرکت کنند - در درجه‌ی اول این سه چیز است. من در واقع یک مفهوم روشن را برای اصلاحات مطرح کردم و آنها هم نتوانستند آن را نفی کنند؛ چون چه کسی است که رفع فقر و تبعیض و فساد را در جامعه لازم نداند یا آن را اصلاح نداند؟ اما به‌رحال برای این‌گونه اصلاحات تلاش نمی‌کنند. برای یک خواسته‌ی مبهم و مجهول، مرتب در فضای کشور توفان سیاسی راه می‌اندازند و مردم را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و دانشگاه را مورد هدف خود قرار می‌دهند. آیا این درست است؟ من خواستم به این تلاشی که بعضی افراد می‌خواهند بکنند، جهت داده شود؛ که خوشبختانه همین‌طور هم شد. قبل از آن که من این مسأله را مطرح کنم و بعد از آن که مطرح کردم، رؤسای سه قوه را این‌جا خواستم و با آنها صحبت کردم. آنها قول دادند که برنامه‌ریزی کنند؛ برنامه‌ریزی هم کردند و الان کارهایی می‌کنند. بنابراین من از سابق و در دولت گذشته هم بخصوص در زمینه‌ی مسأله‌ی فساد و تبعیض و فقر، تلاش مسئولان را خواسته‌ام. آنها هم بر اساس همان خواسته‌ی ما لایحه‌ی فقرزدایی را درست کردند. متها به عمر دولت گذشته نرسید؛ اما بعد همان لایحه را دولت فعلی تنظیم و مرتب کرد؛ بعضی از مراحلش هم پیش رفته؛ که همین مسأله‌ی اشتغالی که شما در این چند روز شنیده‌اید، به دنبال آن مسأله است؛ چون مسأله‌ی اشتغال، مهمترین مسأله است (امام خامنه‌ای ۱۳۹۱/۲۲/۲۲)

«من می‌خواهم خواهش کنم که حتما مسأله‌ی مبارزه با فساد را جدی بگیرید و دنبال کنید. این که ما دو سه سال قبل گفتیم اصلاحات واقعی در کشور، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است، هر روز که می‌گذرد، اعتقاد بنده به این مسأله راسختر می‌شود. هیچ اصلاحی در کشور بدون پرداختن به این سه مقوله‌ی اساسی و بنیانی ممکن نیست صورت گیرد؛ اینها مادر همه‌ی اصلاحات است و باید بالاخره در کارها به این قضیه پردازید. (همان)

«اصل اصلاحات یک کار لازم است و باید انجام گیرد. وقتی اصلاحات نشود، برخی از نتایجی که ما امروز با آنها دست به گریبانیم، پیش می‌آید: توزیع ثروت ناعادلانه می‌شود؛ نوکیسه‌های بی‌رحم

بر گوشه و کنار نظام اقتصادی جامعه مسلط می‌شوند؛ فقر گسترش پیدا می‌کند؛ زندگی سخت می‌شود؛ از منابع کشور به‌درستی استفاده نمی‌شود؛ مغزها فرار می‌کنند و از مغزهایی که می‌مانند، حداکثر استفاده نمی‌شود. وقتی که اصلاحات باشد، این آفتها و این آسیبها و دهها مورد از قبیل آنها پیش نمی‌آید» (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹)

با توجه به مطالب فوق می‌توان جمع‌بندی مولفه‌های اصلاحات اسلامی و انقلابی، ایمانی را از دیدگاه ایشان بصورت زیر بر شماری کرد:

- مبارزه با فقر، فساد و تبعیض
- توزیع عادلانه ثروت
- جلوگیری از مسلط شدن نوکیسه‌های بی‌رحم
- جلوگیری از گسترش فقر
- استفاده صحیح از منابع کشور
- جلوگیری از فرار مغزها و استفاده صحیح از مغزها

هدف اصلاحات انقلابی، اسلامی، ایمانی:

از دیگر مواردی که در این رابطه مورد توجه معظم له بوده و بر آن تأکید می‌ورزیدند هدف از اصلاحات است که دقیقاً در مقابل دیدگاه برخی از عناصر خودباخته و یا خود فروخته مطرح گردید و آن تصویری بود که از سوی رئیس‌جمهور وقت آقای خاتمی در اجلاس سران کشورهای اسلامی با عنوان مدینه‌النبی مطرح شد عبارتی مدینه‌فاضله‌ای که در صدر اسلام پیامبر گرامی در مدینه پیاده نمود. پس غایت این مفهوم را مدینه‌النبی در مقابل جامعه مدنی یا مدینه‌فاضله روشنفکران غرب زده که آمال و آرزوی خود را لیبرال دموکراسی غربی مبتنی بر کاپیتالیسم می‌دانند مطرح گردید در حقیقت این هدف گذاری خط فاصل و مرزی بود که در مقابل اصلاحات آمریکایی عنوان شد. لذا می‌فرمایند:

«البته خوشبختانه برخی از مسؤولان، و بیش از همه رئیس‌جمهور عزیزمان، بارها گفته‌اند که اصلاحات ما اصلاحات اسلامی و انقلابی است؛ هدف، رسیدن به مدینه‌النبی است. اینها خوب است، اما تعریفهای دقیق‌تر و تصویر روشن‌تری لازم است. اینها از این جهت خوب است که انگشت اشاره‌ی غربیها و بیگانه‌ها را می‌خواباند؛ معلوم می‌شود آنچه که آنها می‌گویند، مراد نیست. همه این را می‌فهمند، اما باید توضیح داده شود و بیشتر تصویر گردد» (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹)

هدف: رسیدن به مدینه‌النبی

ضرورت:

آنگاه ضرورت اصلاحات را برشماری نموده و آنرا امری لازم دانستند بنحوی که آنرا در ذات هویت انقلابی و دینی نظام تشریح نمودند که در صورت خارج نمودن این مفهوم از انقلاب و عدم تحول و نوبه نو شدن آن راکدی و فاسدی را نتیجه قطعی برای نظام اسلامی تلقی نمودند: «بنده معتقدم که اصلاحات، یک حقیقت ضروری و لازم است و باید در کشور ما انجام گیرد. اصلاحات در کشور ما از سر اضطرار نیست که فلان حاکمی مجبور شود مورد مطالبات سخت قرار گیرد و گوشه و کناری را اصلاح کند؛ نخیر، اصلاحات جزو ذات هویت انقلابی و دینی نظام ماست. اگر اصلاح به صورت نو به نو انجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت. اصلاحات یک فریضه است. میدانهای اصلاحات کجاست؟ آن بحث دیگری است. اصل اصلاحات یک کار لازم است و باید انجام گیرد. وقتی اصلاحات نشود، برخی از نتایجی که ما امروز با آنها دست به گریبانیم، پیش می‌آید... پس مطلب اول این که اصلاحات امری ضروری و لازم است» (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹)

ضرورت: اصلاحات در ذات هویت انقلابی و دینی انقلاب اسلامی است.

اصول:

ایشان اصولی را برای اصلاحات اسلامی، انقلابی بیان می‌دارند: «پس، سه عنصر در این جا لازم شد. دلم می‌خواهد که جوانان بیشتر به این نکات توجه کنند. بخصوص عناصری که در زمینه‌ی فعالیت‌های سیاسی تأثیر گذارند، درست توجه کنند. سه عنصر در این جا اساسی است: یکی این که ارزشهایی که انقلاب براساس آنها پدید آمده است، مورد توجه باشد و به شدت از آنها حراست شود.

دوم این که این ارزشها را با هم ببینند. این طور نباشد که یکی به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی توجه کند، اما به دینداری توجه نکند؛ یا به دینداری توجه کند، اما به آزادی فکر توجه نکند؛ یا به آزادی فکر و بیان توجه کند، به حفظ دین و ایمان مردم توجه نکند. اگر این طور باشد، کار ناقص انجام می‌گیرد. باید به همه‌ی مجموعه ارزشها توجه شود. بالاتر از همه، دستگاههای حکومتی هستند که باید به تمام این ارزشها توجه کنند و همه‌ی آنها را مورد حفاظت و حراست قرار دهند.

عنصر سوم، حرکت به جلو است. رکود و سکون و سکوت موجب می‌شود که جمود و تحجر و کهنگی به وجود آید و ارزشها کارآیی خودش را از دست بدهد. کهنگی، دنباله‌اش ویرانی

است. اگر بخواهند کهنگی به وجود نیاید، باید پیشرفت و حرکت به جلو باشد. این حرکت به جلو، همانی است که من در روز تاسوعا از آن به «اصلاحات انقلابی» تعبیر کردم. اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزشهای انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. این، آن اصول اساسی است. به ارزشها توجه کنیم؛ در ارزشها تبعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزشها تحول و حرکت به جلو را با جدیت تمام دنبال کنیم» (امام خامنه‌ای ۷۹/۲/۲۳)

پس بطور خلاصه می توان گفت اصول مورد نظری که باید در همه اوقات و مراحل انجام اصلاحات مورد توجه قرار داشته باشد و به عنوان زمینه مورد توجه دست اندرکاران قرار داشته باشد عبارتند از:

اصول

- توجه به ارزشها و حراست از آنها
- با هم دیدن ارزشها و عدم تبعیض بین آنها
- حرکت رو به جلو و پرهیز از سکون و رکود

سیاست‌ها:

در ادامه تبیین موضوع اصلاحات در کشور به ملاحظات مورد لزوم در این روند اشاره داشته و می فرمایند: «اصلاحات باید از یک مرکز مقتدر و خویشتندار هدایت شود تا دچار بی‌رویگی نشود. ای بسا کاری که می‌تواند در ظرف ده سال به‌خوبی و سلامت انجام گیرد، اگر در ظرف دو سال بخواهید آن را انجام دهید، به ضایعات غیر قابل جبران منتهی خواهد شد؛ مثل اتومبیلی که در جاده‌ی دشوار و خطرناکی با سرعت بیش از حد معقول حرکت کند؛ اگر تصادف نکند، تعجب است؛ اگر آسیب نبیند و نزند، تعجب است. باید مرکزی هوشیار، مقتدر و خویشتندار وجود داشته باشد که نگذارد به آن حرکتی که می‌خواهد انجام گیرد، شتاب بیش از حد مفید داده نشود؛ کار با میزان و به‌طور صحیح انجام گیرد.

حفظ ساختار قانون اساسی در زمینه‌ی اصلاحات است. البته در قانون اساسی، بیشتر از همه چیز، نقش اسلام و منبعیت و منشأیت اسلام برای قوانین و ساختارها و گزینشها مطرح است. ساختار قانون اساسی بایستی به‌طور دقیق حفظ شود. شما نگاه کنید ببینید دشمن چگونه با قانون اساسی ما برخورد می‌کند: گوشه‌ای از قانون اساسی را نفی می‌کند، گوشه‌ای را اثبات می‌کند؛ یک جا به قانون اساسی تمسک می‌کند، یک جا علیه‌اش حرف می‌زند! قانون اساسی میثاق بزرگ ملی و دینی و انقلابی ماست. اسلام - که همه چیز ما اسلام است - در قانون اساسی تجسم و تبلور پیدا کرده است. اصل چهارم

قانون اساسی تکلیف همه چیز را روشن کرده است. اگر در قوانین عادی - حتی در خود قانون اساسی - یک جا اصلی یا قانونی وجود داشته باشد که در مقام اجرا یا در مقام قانونگذاری، با این اسلامیت معارضه پیدا کند، این اصل بر آنها حاکم است؛ حکومت به معنای مصطلح اصولی و علمی حوزه‌های علمیه. البته این گفتن نداشت؛ اگر هم نمی‌گفتند، حکومتش واضح بود؛ اما به این حکومت تصریح کرده‌اند. بنابراین ساختار قانون اساسی بایستی به طور کامل در اصلاحات حفظ شود.»

«هماهنگی اصلاحات در بخشهای مختلف است. این نکته مهم است. ببینید عزیزان من! در بعضی از بخشها، اصلاحات، پیچیده و دشوار و کند است. مثلاً در بخش اقتصادی، کار بسیار کند انجام می‌گیرد؛ توزیع عادلانه‌ی درآمدها نیز همین‌طور است؛ کار بسیار سختی است؛ کار آسانی نیست. ریشه‌کن کردن فقر و رسیدگی به مناطق محروم، همه‌ی اینها جزو اصلاحات است. اصلاح ساختار اداری، کار بسیار دشوار و پیچیده و سنگینی است؛ اینها دیر پیش می‌رود. در بخش معادل گلاسوست آقای گورباچف نه، کار آسان است؛ در یک روز هم می‌شود به بیست روزنامه مجوز داد تا منتشر شوند. این می‌شود ناهماهنگ؛ این‌طوری نمی‌شود؛ باید هماهنگ حرکت کنیم؛ باید پایه‌ی بخشهای دشوار حرکت کنیم. این‌که بنده تأکید می‌کنم مسأله‌ی معیشت اولویت دارد، یک بخش عمده‌اش به خاطر این است؛ چون بخش معیشت، بخش مشکلی است. همه‌ی نیرویتان را که شما جمع کنید، با همه‌ی صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی هم که کار کنید، سرعت خاصی خواهید داشت؛ بقیه‌ی بخشها را هم باید با همان سرعت حرکت دهید. اگر این سرعت برابر و هماهنگ را رعایت نکردید، آن وقت مشکلات بسیار اساسی‌ای پیش می‌آید که البته بعضی از آنها قابل محاسبه است، برخی دیگر قابل محاسبه نیست؛ از آنهایی که قابل محاسبه است، بعضی قابل پیشگیری است، برخی قابل پیشگیری هم نیست (امام خامنه‌ای ۱۹/۴/۷۹)

پس بطور خلاصه می‌توان سیاست‌های برشماری شده توسط معظم له را بصورت زیر دسته

بندی کرد:

سیاست‌ها:

- وجود مرکزی مقتدر و خویش‌تندار برای هدایت اصلاحات

- حفظ ساختار قانون اساسی

- شمولیت کلیه دستگاه‌ها

- هماهنگی اصلاحات در بخشهای مختلف

- قاطعیت در اقدام

راهردها:

«اصلاحات به معنای حقیقی کلمه، شامل همه‌ی دستگاه‌های کشور می‌شود. هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه‌ی دستگاه‌های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چهارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه‌ی قضاییه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسؤولیت‌های مهمی بر دوش آنهاست، همه مشمول این قاعده‌ی کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام مورد نظر اسلام است» (امام خامنه‌ای ۸۳/۱۲)

پس می‌توان به طور خلاصه راهبرد‌های رسیدن به اصلاح جامعه را در سه مسیر زیر دنبال کرد:

راهبرد

نقد، اصلاح رفتار، پاسخگویی

مصادیق:

سپس برخی از مصادیق مهم برای تحقق اهداف اصلاحات مورد نظر را بیان داشته و می‌فرماید: «عزیزان! روز ماه رمضان است؛ روزها و ساعات متبرکی است. همه باید از این ساعات و روزها استفاده کنند. استفاده‌ی حقیقی من و شما از این ساعات و از این روزها و شبها این است که از خدا بخواهیم و خودمان هم مجاهدت کنیم تا بتوانیم مانند یک کارگزار اسلامی واقعی، یک مسؤول حقیقی مؤمن و اسلامی، در هر بخشی که هستیم، عمل کنیم. باید این‌طور شود و چاره‌ای هم نیست؛ یعنی اصلاً نمی‌شود تحمل و قبول کرد که ما اجازه دهیم این فسادها در بین ما رواج پیدا کند؛ نه، آن کارها باید بشود و همه هم مسؤولند. باید تلاش شود، این مجاهدتها باید بشود، این اصلاحها باید صورت گیرد.

اولین قدم اصلاح - که اصلاحات گفته می‌شود - اصلاح درونی خود ماست؛ یعنی این مجموعه‌ی مسؤولان نظام بایستی خودشان را از این روشها و منشها و خلیقات و رفتارهای غیر اسلامی خلاص کنند و نجات دهند. اگر این کار صورت گرفت، آن‌گاه پیشرفت کارها ممکن خواهد شد (امام خامنه‌ای ۷۹/۹/۱۲)

«ما اصلاح اداری لازم داریم؛ اصلاح اقتصادی لازم داریم؛ اصلاح قضایی لازم داریم؛ اصلاح امنیتی لازم داریم؛ اصلاح در قوانین و مقررات لازم داریم. ما احتیاج داریم که دستگاه اداریمان مقرراتی داشته باشد که برای همه یکسان باشد و در آن تبعیض نباشد. اگر بود، نقطه‌ی فاسدی است

و باید اصلاح شود. باید رشوه و ارتشاء وجود نداشته باشد؛ اگر بود، فساد است و باید اصلاح شود. راههای کسب ثروت باید مشروع باشد. اگر کسانی از راههای نامشروع کسب ثروت کردند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر کسانی از امتیازات بیجا استفاده کردند، ثروتهای بادآورده به دست آوردند و دیگران را به قیمت این که خودشان ثروتمند شوند، فقیر کردند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر در جامعه امتیازات انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانستند از فرصتهای برابر استفاده کنند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود؛ اگر انسانی که می‌خواهد در جامعه کار کند، دست و پایش را بستند و برای تلاش کردن، به او فرصت ندادند، اینها فساد است و باید اصلاح شود. اگر در جامعه گرایش مصرفی رو به رشد است، این فساد است. اگر در تلاشهای اقتصادی، دلالی بر تولید ترجیح دارد، این فساد است. اینها را باید اصلاح کرد. اصلاحات اینهاست. اگر مردم دچار حالت بی‌انضباطی - بخصوص مسؤولان بخشهای اداری کشور بی‌انضباطند - و انضباط اجتماعی نیست، این فساد است. اگر احساس مسؤولیت نیست، این فساد است. اگر در جوانان، ملکات انسانی - یعنی شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار - رشد پیدا نمی‌کند، این فساد است. اگر روابط جنسی ناسالم در جامعه هست، این فساد است. اگر اعتیاد در جامعه هست، این فساد است. اگر سطح معرفت و شعور عمومی در حد مطلوب نیست، این فساد است. اگر وظیفه‌شناسی در مسؤولان نیست، این فساد است. اگر کسانی هستند که خانواده‌ها را ناامن می‌کنند؛ اگر کسانی هستند که شهرها و خیابانها و جاده‌ها و روستاها را ناامن می‌کنند، این برای کشور فساد است. اگر جرم و جنایت هست؛ اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست؛ اگر رسیدگیهای قضایی طولانی می‌شود و پرونده‌ها مدتها می‌ماند، اینها فساد است و باید اصلاح شود. باید از جرم و جنایت پیشگیری کرد. انقلاب، ما را به ایجاد این اصلاحات امر می‌کند و فرمان می‌دهد. همه خوشحالند و دوست می‌دارند که این‌گونه اصلاحات در جامعه انجام گیرد. البته این اصلاحات هم با تعارف انجام نمی‌گیرد؛ این اصلاحات، با قاطعیت و با اقدام انجام می‌گیرد (امام خامنه‌ای ۱۳۹۱/۲۶)

لذا در تجزیه و تحلیل یافته‌ها، می‌توان بطور خلاصه مصادیق اصلاحات را به شرح زیر فهرست نمود.

مصادیق

۱- اصلاح درونی

۲- اصلاح قضایی (عدالت، کاهش در رسیدگی‌ها)

- ۳- اصلاح امنیتی
- ۴- اصلاح در قوانین و مقررات
- ۵- عدم تبعیض در مقررات اداری
- ۶- عدم وجود رشوه و ارتشاء
- ۷- مشروعیت راههای کسب ثروت
- ۸- جلوگیری از استفاده از امتیازات بیجا برای کسب ثروتهای بادآورده.
- ۹- عدم وجود امتیازات انحصاری و فراهم نمودن فرصتهای برابر
- ۱۰- ایجاد امنیت شغلی و ثبات مقررات .
- ۱۱- پیشگیری از رشد گرایش مصرفی جامعه
- ۱۲- مقابله با ترجیح دلالی بر تولید در تلاشهای اقتصادی
- ۱۳- کاهش بی‌انضباطی در مردم؛ در مسؤولان بخشهای اداره‌ی کشور؛ و بی‌انضباطی اجتماعی
- ۱۴- ایجاد احساس مسؤولیت
- ۱۵- رشد ملکات انسانی - یعنی شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار - در جوانان
- ۱۶- از بین بردن روابط جنسی ناسالم در جامعه
- ۱۷- کاهش اعتیاد در جامعه
- ۱۸- ارتقاء سطح معرفت و شعور عمومی
- ۱۹- ایجاد وظیفه‌شناسی در مسؤولان
- ۲۰- رفع ناامنی در خانواده‌ها در شهرها و خیابانها و جاده‌ها و روستاها
- ۲۱- مقابله با جرم و جنایت و لزوم پیشگیری

نتیجه گیری

همانطوری که در مقدمه نیز اشاره شد مجموعه‌ای از گروه‌های سیاسی که در انتخابات دوم خرداد سال ۷۶ در یک اتحاد سیاسی، عنوان جبهه دوم خرداد را تشکیل و در هفتمین و هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران به پیروزی رسیدند، خود را اصلاح طلب معرفی کردند. این واژه چون حامل مفاهیم متعددی بوده و به لحاظ زمینه‌های مختلف دیدگاهی، رویکرد‌های مختلفی را به همراه داشت، آنچنان پر اهمیت بود که سر رشته بسیاری از مباحث مختلف در بین افراد، گروه‌ها،

احزاب، محافل، مطبوعات و رسانه‌ها گردید. و چون تفاوت ماهوی بین اسلام و تفکر اومانیستی پیرامون این واژه وجود داشت، از سوئی اصلاح و اصلاح‌گری در متن و جوهره دین قرار داشته و با فرایضی همچون امر به معروف و نهی از منکر و مسئول دانستن جامعه در برابر یکدیگر، اصلاح‌گری را در جامعه نهادینه می‌کند. در مقابل آن رفرمیسم غربی با اعتقاد به لیبرالیسم و با اصالت دادن به فرد گرایی و انسان محوری و نیز با رسمیت دادن به تسامح و تساهل، به نفع حاکمیت کاپیتالیسم و لیبرال دمکراسی غربی به میدان آمده، و با نفی ارزش‌های حاکم بر جامعه به دنبال استحاله و نابودی آن بود، لذا با جذب عناصر طرفدار غرب در کشور و با نفوذ در لایه‌ها و ارکان نظام، با استفاده از وسائل ارتباط جمعی و نفوذ در رسانه‌ها، به تدریج الگوی سرمایه‌داری و معیارهای لیبرالیسم فرهنگی، سیاسی و... را در قالب اصلاحات تئوریزه و در حقیقت بصورت نرم در صدد استحاله نظام بر آمدند. نمونه این رویکرد را میتوان در تحولاتی که در کشورهای مختلف از جمله شوروی سابق، اوکراین، گرجستان، قرقیزستان و... یافت، که منجر به حوادثی گردید که به نام انقلاب‌های رنگین موسوم شد. و موجب فروپاشی رژیم‌های حاکم و تجزیه و ورشکستگی و هرج و مرج در آنها گردید.

لذا چون این مسئله یکی از سطوح تعارض گفتمانی بین برخی از نظریه پردازان جبهه دوم خرداد با گفتمان اصلی انقلاب گردید و در حقیقت تهدیدی بود بر اصل نظام با هدف استحاله از درون، بنابراین مقام معظم رهبری باتمام توان در این عرصه وارد شده و در تبیین مراتب تلاش همه جانبه‌ای را برای شفافیت زمینه‌ها و ریشه‌های موضوع از سوئی و برشماری نتایج اصلاحات مورد نظر غرب در گذشته و حال، از سوی دیگر آغاز نمودند. و به عبارتی باید اذعان داشت که این تهدید را تبدیل به فرصتی برای تعمیق یکی از پایه‌های بنیادین انقلاب یعنی آنچه که در ذات انقلاب اسلامی وجود دارد، نمودند. بطوریکه اکنون در فضای گفتمانی جمهوری اسلامی اصلاح و اصلاح طلبی بر پایه‌های فکری انقلاب معنا یافته و به روشنی و با وضوح کامل مرزهای بین دیدگاه‌های مختلف تعیین و مورد توجه خاص و عام قرار گرفته است.

در جدول زیر تبیین راهبردی دیدگاه رهبری در مورد اصلاحات انقلابی، اسلامی، ایمانی نشان

داده شده است:

مولفه‌ها	۱- مبارزه با فقر، فساد و تبعیض ۲- توزیع عادلانه ثروت ۳- جلوگیری از مسلط شدن نوکیسه‌های بی‌رحم ۴- جلوگیری از گسترش فقر
----------	--

۴- استفاده صحیح از منابع کشور	
۵- جلوگیری از فرار مغزها و استفاده صحیح از مغزها	
رسیدن به مدینه‌النبی	هدف
اصلاحات در ذات هویت انقلابی و دینی انقلاب اسلامی	ضرورت
۱- توجه به ارزشها و حراست از آنها ۲- با هم دیدن ارزشها و عدم تبعیض بین آنها ۳- حرکت رو به جلو و پرهیز از سکون و رکود	اصول
۱- ایجاد مرکزی مقتدر و خویشتن‌دار برای هدایت اصلاحات ۲- حفظ ساختار قانون اساسی ۳- شمولیت کلیه دستگاه‌ها ۴- هماهنگی اصلاحات در بخشهای مختلف ۵- قاطعیت در اقدام	سیاست‌ها
نقد، اصلاح، پاسخگویی	راهبردها
۱- اصلاح درونی ۲- اصلاح قضایی (عدالت، کاهش در رسیدگی‌ها) ۳- اصلاح امنیتی ۴- اصلاح در قوانین و مقررات ۵- عدم تبعیض در مقررات اداری ۶- عدم وجود رشوه و ارتشاء ۷- مشروعیت راههای کسب ثروت ۸- جلوگیری از استفاده از امتیازات بیجا برای کسب ثروتهای بادآورده. ۹- عدم وجود امتیازات انحصاری و فراهم نمودن فرصتهای برابر ۱۰- ایجاد امنیت شغلی و ثبات مقررات. ۱۱- پیشگیری از رشد گرایش مصرفی جامعه ۱۲- مقابله با ترجیح دلالی بر تولید در تلاشهای اقتصادی ۱۳- کاهش بی‌انضباطی اجتماعی و در مردم؛ در مسئولان بخشهای اداره‌ی کشور ۱۴- ایجاد احساس مسئولیت ۱۵- رشد ملکات انسانی - یعنی شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار - در جوانان ۱۶- از بین بردن روابط جنسی ناسالم در جامعه ۱۷- کاهش اعتیاد در جامعه ۱۸- ارتقاء سطح معرفت و شعور عمومی ۱۹- ایجاد وظیفه‌شناسی در مسئولان	مصادیق

۲۰- رفع ناامنی در خانواده‌ها در شهرها و خیابانها و جاده‌ها و روستاها	
۲۱- مقابله با جرم و جنایت و لزوم پیشگیری	

پیشنهادها

- ۱- تبیین اصولی و تطبیقی نظام ولایت فقیه در مقایسه با نظام لیبرال دموکراسی در مراکز علمی و پژوهشی
- ۲- تعیین موضوعات پژوهشی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برای روشن شدن ابعاد گفتمان اصلاح طلبی آمریکائی و تأثیرات آن بر تهدیدات امنیت ملی

منابع

قرآن مجید.

نهج البلاغه، مرحوم دشتی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات نیلوفرانه.

آیه الله العظمی امام خامنه‌ای، سید علی «حدیث ولایت».

۷۹/۱/۲۶ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

۷۹/۲/۲۳ - بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۷۹/۴/۱۹ - بیانات در دیدار کارگزاران نظام

۷۹/۵/۳ - بیانات در جمع مردم اردبیل

۷۹/۱۲/۲۲ - بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر

۸۰/۸/۱۲ - در دیدار جوانان استان اصفهان

۸۱/۵/۵ - بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه

۸۲/۱/۲ - بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

۸۴/۲/۱۹ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان

آقا بخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.

امینیان، بهادر (۱۳۷۱). تحول امنیت ملی، سیاست دفاعی، (۱)، ۱-۲۳.

پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net>

علی بابائی، غلامرضا (۱۳۶۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر و پخش ویس.

عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

کبیری، ابوالحسن (۷۸۱). سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و

تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، مطالعات دفاع مقدس، ۶(۴)، ۵۵-۷۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). نبرد حق و باطل، تهران: انتشارات صدرا.

موسوی، سید محمدرضا و نقی لو، علی (۱۴۰۰). تأثیر هویت ملی چندپاره ایران بر توسعه سیاسی

کشور، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۸۱-۱۰۰.

ناظمی، مهدی و رضوانی، حسین علی (۱۳۹۴). درآمدی بر مهندسی فرهنگی توسعه امنیت پایدار،

تهران: نشر آثار فکر.